info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۲۸
شنبه / ۲۱ دی / ۱۳۹۸
۱۵/ جمادی الاول / ۱۴۴۱
11 / Jan/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۴۳۳-۳۲۵۳۲۴۳۸ ۰۲۶- فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

خیام ۴۳

امروز با حافظ

مجلس بزم عیش را غالیه مراد نیست
ای دم صبح خوش نفس ناقه زلف یار کو
حسن فروشی گلم نیست تحمل ای صبا
دست زدم به خون دل بهر خدا نگار کو

خیام

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند
روبه صفتان زشت خو را نکشند
گر عاشق صادقی ز کشتن مگریز
مردار بود هر آنکه او را نکشند

خاقانی

اذان کرج

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۶	۰۷:۱۷	۱۲:۱۳	۱۷:۰۸	۱۷:۲۷

برگه

شعله های بزرگ ناشی از جرقه ای کوچک است.

دانته

یادداشت

گابوی ژورنالیست

مارگز به نوشتن ستون‌های هفتگی در مطبوعات اعتیاد داشت و برای هر نوشته گلهی تا ۶ ساعت وقت می‌گذاشت. در کتاب «رسوایی قرن» که به‌تازگی در ایران ترجمه و منتشر شده است، بهترین یادداشت‌ها و گزارش‌های مطبوعاتی این نویسنده بزرگ گردآوری شده‌اند. او در جایگاه روزنامه‌نگار می‌ایست با وقاحت سروکار داشته باشد، با این همه عجیب است که در «رسوایی قرن» با نوشته‌هایی مواجه می‌شویم که هم واقعی‌اند و هم جاذبی خیال دارند. گابریل گارسیا مارگز (۱۹۲۷-۲۰۱۴) که دوستانش او را «گابو» صدا می‌زدند، برای روزنامه‌نگاری زاده شده بود او در سراسر زندگی خود برای روزنامه‌ها و مجلات قلم می‌زد و «خشم» هم‌تأسیس کرد مدل‌آزیه‌همان شیوه‌منتقد مطبوعاتی‌ای جی لیبلینگ، به فضای روزنامه‌نگاری نفس تازه‌ای دمید. او روزنامه‌نگاری را «بهترین شغل جهان» و «ضرورت بیولوژیکی بشر» خوانده است. گارسیا مارگز دریافته بود که روزنامه‌ها و مجلات نه‌تنها اطلاعات ارایه می‌دهند، بلکه از طریق تفاسیر مختلف به شور و شعف جامعه می‌افزایند. درباره اهمیت کتاب «رسوایی قرن» همین بس که خود مارگز در سال‌های پایانی زندگی‌اش می‌گوید: «به دلم می‌خواهد مرا با «صدسال تنهایی» به یاد بیاورند. نه با جایزه نوبل. دوست دارم با نوشته‌های مطبوعاتی‌ام از من یاد کنند.» «رسوایی قرن» مجموعه‌ای جدید از نوشته‌های مطبوعاتی گارسیا مارگز نشان می‌دهد که او چقدر با جدیت گزارش می‌گرفت و از آنچه اکنون بعضاً فرم روایی طولانی خوانده می‌شود استفاده می‌کرد. در این کتاب داستان‌های پیچیده‌ای درباره مرگ، زن جوانی وجود دارد که به نظر می‌رسد زندگی دو گانه‌ای را پشت سر می‌گذارد در مورد محاصره سیاسی کاخ ملی نیکاراگوئه در سال ۱۹۷۸ توسط جبهه آزادیبخش ملی ساندینیستا و درباره تلاش‌های بین‌المللی برای نجات پسر جوانی است که به سرطان تایلی نیاز دارد و باید طی ۱۲ ساعت به او برسد. کتاب گارسیا مارگز که برای نخستین بار در سال ۱۹۸۶ به زبان انگلیسی منتشر شد، شامل سری مقاله‌هایی است که مارگز برای روزنامه بوگوتا در سال ۱۹۵۵ با اصدای یک ملوان کلمبیایی از عرشه یک ناوشکن نوشت. محور بیشتر نوشته‌های مطبوعاتی‌اش مثل بیشتر داستان‌هایش از گاهش کلمبیاست. بنابراین بسیاری از بهترین قطعات در «رسوایی قرن»، مقالات، تأملات بی‌تکلف و طنزهایی درباره موضوعاتی مانند آرایشگران، مسافرت هوایی، ترجمه ادبی و قیام هستند. این کتاب شامل ۵۰ مقاله است که بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۴ منتشر شده و یکی از دو کتاب جدیدی است که به کار و زندگی گارسیا مارگز می‌پردازد. کتاب دیگر «کمپانی و تنهایی» است، اثری جذاب و جنجال‌برانگیز شامل تاریخ شفاهی کوتاهی درباره زندگی‌اش که آن را روزنامه‌نگار کلمبیایی سیلوانا پاترنوسترو ویرایش و ادیت گرامسن ترجمه کرده است.

گارسیا مارگز برخی از نخستین داستان‌هایش را روی رول‌های روزنامه‌هایی می‌نوشت که از کار روزانه‌اش به جا مانده بود. شاید همین روش باعث شد آثار داستانی و غیرداستانی او از دل هم سرور آورند. طوری که به وضوح رگه‌هایی از آثار داستانی او در نوشته‌های غیرداستانی‌اش دیده می‌شود. مقالات و ستون‌ها در «رسوایی قرن» نشان می‌دهد که صدای صریح او آمیخته با طنز درست از همان ابتدا همین‌طور بی‌نظیر و بی‌نقص بوده است. طنز او مثل قتی عمل می‌کرد که با اطمینان پروژکتور قوی ذهن گارسیا مارگز را خنک می‌کرد. خودش می‌گفت آثار مطبوعاتی‌ام را با «همان وجدان، همان شادی و غالباً همان الهامی که باید شاهکاری خلق می‌کردم می‌نوشتم» قهرمان‌های دوی سرعت و استقامت در درون او عجیب همگام بودند او جزو آن دسته از نویسندگان بزرگی است که کارهای جانبی‌اش هم تقریباً همیشه ارزش خواندن داشته‌اند. «رسوایی قرن» نخستین جلد جمع‌آوری شده و معرفی کام اتفاق و دغدغه روزمره زمینه‌ساز خلق «صد سال تنهایی»، «پاییز پدرسالار» و... شده است. مارگز خود دوست داشت بیشتر روزنامه‌نگار شناخته شود و این اثر را حتی از آثار داستانی معتبر جهانی خود مهم‌تر می‌دانست. او می‌گوید: «من اساساً روزنامه‌نگار هستم. سراسر زندگی‌ام هم روزنامه‌نگار بودم. آثارم، کتاب‌های یک روزنامه‌نگار است. حتی اگر در آنها به وضوح این موضوع دیده نشود.» طی ۵۰ اثر مطبوعاتی گارسیا مارگز از بین صدها تالیف در مجموعه پنج جلدی یادبود ژاک گیلارد، پورپدیست، یگانه گزیده شد. تا بتواند نمونه‌ای از نوشته‌هایش برای روزنامه‌ها و مجلات را در اختیار خوانندگان داستان‌هایش قرار دهد. روزنامه‌ها و مجلاتی که او قسمت بزرگی از زندگی خود را برای آنها کار می‌کرد. مارگز همیشه آموزه‌های خود را به‌عنوان روزنامه‌نگار، پایه و اساس کار خود در داستان‌نویسی می‌دانست. در بسیاری از نوشته‌های جمع‌آوری‌شده در اینجا خواندگان رمان‌ها و داستان‌های کوتاه او صدای روایی قابل تشخیص را در جریان می‌بینند. کسانی که می‌خواهند به این موضوع بپردازند، می‌توانند توضیحاتی جالب از زندگی مطبوعاتی گارسیا مارگز در پیش‌نویس‌های مجموعه تلفیقی گیلارد دیدند. همان‌طور که گیلارد نوشت «روزنامه‌نگاری گارسیا مارگز عمدتاً تعلیم و تربیت به سبک او و کارآموزی به سبک بلاغتی اصیل بود» این کتاب از نخستین آثار مطبوعاتی که به‌عنوان کتاب منتشر شده‌اند، گزارشی از راندود این ناوقراگو (داستان دریانوردی با کشتی خرابه، ۱۹۷۰) و گلچینی از مقالات نوشته‌شده در «زندگی و اندیشه، وقایع تاریخی و گزارش‌های منتخب» از سوی نویسنده که در سال ۱۹۷۶ موسسه فرهنگی کلمبیا منتشر کرد. همچنین مجموعه‌ای که به دست همکاران روزنامه‌نگار گارسیا مارگز، گالو پوربدیست در سال ۲۰۱۲ بنیاد روزنامه‌نگاری لیبرو-آمریکایی جدید و کوتاکولتای مکزیک منتشر کرد، شرح مختصری از حرفه او است.

او می‌گوید: «من با نویسندگان و مشکلات اقتصادی آنها دست به گریبان هستم. بهترین نویسندگان کسانی هستند که به نوشتن کمتر و به سیگار کشیدن بیشتر تمایل دارند! این طبیعی است که برای نوشتن کتابی ۴۰۰ صفحه‌ای به حداقل دوسال و ۲۹ هزار نخ سیگار نیاز دارند. به این معنی که با حسابی دقیق، صرفاً بیشتر از آنچه از این کتاب درمی‌آورند، خرج سیگارشان می‌کنند! تأثیر نوشته‌های مطبوعاتی گارسیا مارگز هنوز احساس می‌شود. او در سال ۱۹۹۴، بنیاد گابریل گارسیا مارگز را که بیشتر با عنوان بنیاد گالو شناخته می‌شود، در کارتاژنا تأسیس کرد که همچنان روتق دارد. مارگز از نوابغی بود که در تمام نوشته‌های داستانی و غیرداستانی خود راهی برای پیوند روح انسان‌ها با مایه‌خوایای استانیک جهان یافته بود.

برگرفته از مقاله نیویورک تایمز
دوایت گارنر
ترجمه زهرا نوروزی

خبر

توریسم سنتی مخالف سفر ارزان

عمده چالش‌های پیش‌روی گردشگری داخلی به‌دلیل بسترهای نامناسب اقتصادی رخ‌داده و کاهش استطاعت سفر متجر به خروج گردشگری از اولویت سبد هزینه‌های خانوارها شده است. واقعیت این است که به‌نظر نمی‌رسد در کوتاهمدت شاهد بازیابی توان اقتصادی خانوارها باشیم؛ اما شاید بتوان سفر را از یک محصول گران به امکانی در دسترس و ارزان تبدیل کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، مجید حسینی‌نژاد بتیان گنار گروه علی‌بابا با اشاره به برنامه‌های این شرکت برای ایجاد امکان سفرهای ارزان گفت: در آینده نزدیک سفر بسیار راحت‌تر از شکل امروزی صورت می‌گیرد و البته درآمدزایی از سفر برای گروه بزرگتری از مردم فراهم می‌شود. وی در گفتگو با «حتیاتی اقتصاد» افزود: ما در ایران، داخل یک فضای بسته در مورد گردشگری فکر و بر همین اساس عمل می‌کنیم. مثلاً بعدتبال تعریف سبد حمایتی هستیم در حالی که در دنیا نگاه به گردشگری تغییر کرده است. به گفته این کارآفرین حوزه گردشگری امروز، افراد برای اتواع سفر اعم از تفریحی و کاری، تلاش می‌کنند هزینه سفر را به شکل‌های مختلف کاهش دهند؛ از استفاده از خودروی عبوری برای رسیدن به مقصد، اسکان در اتاق‌هایی که مردم برای اجاره در اختیار مسافران قرار می‌دهند تا اجاره منزل خود گردشگر طی سفر و کسب درآمد از آن از جمله راهبایی هستند که باعث ارزان تمام شدن سفر و درآمدزایی از گردشگری برای افراد می‌شود.

وی در ادامه گفت: به این ترتیب مردم علاوه بر بهره‌مندی از یک سفر ارزان و راحت، می‌توانند از این مجال درآمدزایی تیز داشته باشند. این فرصتی است که با جامعه‌سازی از طریق پلت‌فرم‌های مرتبط حاصل می‌شود» حسینی‌نژاد دریاره اقتصادهایی که به این شکل از سفر و گردشگری و آسیب‌های اجتماعی که متوجه صنعت گردشگری می‌شود، گفت: کسانی که متقدان سبک‌ا ز سفر و گردشگری هستند حتما می‌دانند مسافری که در اتاق اجاره‌ای ساکن می‌شود با کسی که در هتل مستقر می‌شود، همپوشانی ندارد؛ چرا مسافرانی که برای کارهای درمانی و اداری به شهرهای بزرگ می‌روند، از هتل استفاده نمی‌کنند؟ آیا تهیه محل اسکان ارزان‌قیمت و راحت برای این تعداد از مسافران اشتباه است؟ معتقدم این اندیشه ریشه در انحصار مطلبی برخی بازیگران عرصه گردشگری دارد. سفر با حداقل هزینه‌ها در کشور جریان پیدا کرده و بهانه‌هایی مانند تخصصی و استاندارد گردشگری»، این روند را متوقف نخواهد کرد.

بتیان گنار علی‌بابا در ادامه گفت: فارغ از شرایط خاص اقتصادی کشور، یکی از دلایل اصلی افت گردشگری داخلی، تاکنار آمدی ساختارهای فعلی گردشگری است. سوال اینجاست: تعهد ما در قبال گردشگری چیست؟ درآمدزایی، توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی و ایجاد بستر مناسب برای رونق گردشگری در کشور با حفظ منافع برخی از بازیگران صنعت گردشگری؟

حسینی‌نژاد گفت: معتقدم تهدیدی متوجه ساختار گردشگری کشور با روتق گردشگری ارزان و حضور مردم در چرخه گردشگری نیست. اهمیت رشد گردشگری در توسعه اقتصادی آنچنان زیاد است که حذف ساختارهای تاکنار آمده گردشگری و خارج شدن آنها از فرآیند اقتصادی چندان مهم نخواهد بود. همان‌طور که در کشورهای توسعه‌یافته با ظهور ایده‌ها و تکنولوژی جدید، دیگر خبری از شکل سنتی کسبوکارها نیست و این فرآیند گریزناپذیر است. اصل و اساس رشد و توسعه اقتصادی است. وی در پایان گفت: ارزان کردن سفر و فراهم کردن فرصت درآمدزایی از سفر برای مردم اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه محیطی فراهم شود تا هر جوان ایرانی بتواند به سادگی کسبوکار گردشگری خود را راه‌اندازی کند. این اتفاق هم بدون از بین بردن موانعی مانند برخی حمایت‌های انحصاری موجود در گردشگری حاصل نمی‌شود.

سفرنامه مارکوپولوی کرج

اسلوونی؛ کشوری در مجاورت کوه‌های آلپ و دریای آدریاتیک (بخش اول)

مهدی عبدی- دهه نود میلادی تحولات سیاسی گسترده‌ای در اروپا شکل گرفت و تعداد زیادی کشور جدید به دنیا معرفی شدند. فقط با تجزیه یوگوسلاوی هفت کشور در اروپا به وجود آمد. کشور اسلوونی با وسعت ۸۱ برابر کوچکتر از ایران و فقط دو میلیون و شصت هزار نفر جمعیت یکی از این کشورها بود.

این کشور چند سال پیش در لیست کشورهای کوچک که باید می دیدم و برای دیدنشان اشتیاق داشتم نبود. ولی آرام آرام با دیدن ویدئو ها و خواندن مطالب در مورد‌شان نظرم عوض شد و وقتی به این کشور سفر کردم کاملا غافلگیر شدم. تمام فاکتورهایی که یک کشور برای گردشگری نیاز دارد در اسلوونی یافتم. شاید وسعتش کم باشد ولی در همین گستره کوچک آن قدر زیبایی داشت که من را شیفته خود کند. برنامه سفرم را در فصل بهار و چهار روزه چیده بودم. برای بازدید از سایت های اصلی کافی بود مقصد های اصلی در این سفر در پایتخت بلند شهر لیوبلیانا (پایتخت سبز اروپا) پایتخت این کشور، غار پردیما، قلعه پشتونیا و شهر نووموستو بودند.

دریاچه و قلعه بلـــد گام نهادن بر خاک جزیره

دریاچه بلد در پایه‌های در رشته کوه جولین (این رشته کوه‌ها از ایتالیا تا اسلوونی کشیده شده‌اند و به نام ژولیوس سزار، فرمانروای جمهوری روم نام‌گذاری شده‌اند) در شمال غرب کشور اسلوونی و در نزدیکی شهر بلد است. با تایپ نام کشور اسلوونی در گوگل، اولین عکس هایی که آپلود می شوند عکس های این دریاچه است و اولین چیزی که به سرعت سمت چشم ها را به خود جلب می کند جزیره‌ای در وسط این دریاچه است.

هنوز فصل توریستی شروع نشده بود و اطراف دریاچه خلوت بود. آسمان آبی با تکه های کوچک ابر، نوک قله ی کوه ها سفید از برف با آن نسیم های خنک بهاری که گهگاهی سرد می شد ولی از آن سرماهایی که دوست داشتم در کنارم باشد.

از جایی که ایستاده بودم، نمای قلعه و دو کلیسا به خوبی نمایان بود. قایق های پلتنا Pletna را از دو تشخیص دادم. سایبان رنگی شان از فاصله های دور مشخص بود. قایق های مختص این منطقه که برای طراحی آن ها از گوندولاهای ونیزی کمک گرفته شده است و در اطراف پلتنا‌ها، قایق های اجاره ای، مسلما در دریاچه‌ای که چهار بار میزبان مسابقات قهرمانی روئینگ جهان بوده باید برای قایق سواری ویژه باشد.

برای رفتن به جزیره وسط دریاچه، پلتنا را انتخاب کردم. ۱۵ دقیقه روی آب و بعد حدود یک ساعت فرصت برای دیدن جزیره و برگشت با همان قایق.

قایق‌ها برای حمل ۱۸ تا ۲۰ نفر ساخته شده‌اند در داخل قایق زبان های مختلفی گویش می شد که من نمی توانستم تشخیص دهم برای کدام کشور هستند. از انگلیسی، آلمانی و زبان ۱۵ دقیقه وقت داشتم تا هم از منظره استفاده کنم، هم عکس بگیرم و هم از قایق سواری لذت ببرم. پس زمان رابه ۹۰۰ ثانیه تقسیم کردم تا فرصت بیشتری داشته باشم.

قایق به پای پله های جزیره رسید و قایقران زمان را اعلام کرد، حدود یک ربع طول کشید تا یک دور کامل در جزیره بزنم. جزیره چند ساختمان داشت که معروف ترین آن ها کلیسای عروج مریم Church of the Assumption of Mary بود. کلیسایی با یک برج ۵۲ متری که معروف بود به کلیسای آرزوها برای مسافرانی که ناقوس کلیسا رابه صدا در می آوردند و آرزو می کردند. بعضی داماد ها هم در روز عروسی به این جزیره می آیند. بر اساس باورهای بومی، مردی که عروس خود را از اسکله تا کلیسا، همراهی کند، خوشبختی را برای خودش تضمین کرده است.

من در آن لحظه نه آرزویی داشتم و نه اعتقادی به این کار که پولی به کلیسا بدهم تا آرزویم را برآورده کند. پس به جای دیدن کلیسا از طبیعت جزیره نهایت استفاده را بردم. برای استفاده از فضای جزیره ۶۰ دقیقه کافی نبود این بار ساعت را به دقیقه تبدیل کردم تا بیشتر استفاده کنم.

دوست داشتم یک شب تنها در جزیره بمانم. در زمانی که ماه کامل است. یک چادر، یک آتش کوچک و یک قلاب ماهیگیری، دوربین و موبایل هم نمیخواستم. فقط آرامش و لذت بردن از کوهستان، دریاچه و جزیره جزیره آن قدر کوچک بود که می توانست یک جزیره شخصی باشد. مشابه آن را در فنلاند دیده بودم، جزیره هایی کوچک با یک خانه. دیدن طلوع و غروب خورشید هم در این جزیره وصف شدنی نیست. وای که چقدر لذت می بردم از تک تک ثانیه هایم. برای یک ۲۴ ساعت ۸۶۴۰۰ ثانیه لذت ناب. شاید یک روز این اتفاق برایم افتاد. مگر تا به حال هر چه خواستم به دست نیاوردم؟ پس بعد از این هم می شود. از رویای زیبایم بیرون آمدم، موقع برگشت بود. در مسیر برگشت کفش هایم را درآوردم تا خاک جزیره را زیر پایم لمس کنم و به خاطر لذت لمس خاک با خودم عهد بینندم که روزی این رویا به حقیقت‌می پیوندد.

سوار بر پلتنا از جزیره خارج شدم و این بار جزیره در برابر چشمان کوچک و کوچک تر شد. به همان کوچکی که اولین بار از ساحل دیده بودم. همان مسیر را که رفته بودم برگشتم تا به پارکینگ رسیدم.

این بار مقصدم قلعه بلد بود بر بالای بلندی ۱۳۰ متری، قدیمی ترین قلعه کشور اسلوونی که گفته می شود اولین سنگ بنای آن در قرن ۱۱ بنا شده.

ادامه دارد...

بریده جراید

۱۱ کتاب پیشنهادی تایم برای ماه ژانویه

تایم- مجله تایم در مطلبی جدید ۱۱ کتاب پیشنهادی خود در ماه ژانویه را به خوانندگان معرفی کرده است.

سال جدید فرا رسید و دنیای کتاب درپخش داستان و آثار غیرداستانی غنی است. بسیاری از کتاب‌های ماه ژانویه تلاش می‌کند چگونگی عضویت در یک خانواده را توصیف و تشریح کند.

«چرا نمی‌توانیم بخوابیم» نوشته آدا کالهون

آدا کالهون در کتاب خاطراتش این پرسش را مطرح می‌کند که چرا زنان همنسل او تا این حد خسته می‌شوند. کالهون که با بحران میانسالی دست و پنجه نرم می‌کند در این کتاب ادعا می‌کند که زنان همنسل او بیشتر از نسل‌های دیگر دچار خستگی و استرس می‌شوند.

«زبان جادویی دیگران: کتاب خاطرات» نوشته ای. جی. کو

وقتی کو، شاعر ۱۵ ساله بود پدرش شغل مهمی در کره جنوبی به دست می‌آورد و خانواده‌اش پس از این اتفاق از هم می‌پاشد. کو به همراه برادرش در کالیفرنیا می‌ماند و پدر و مادرش کیلومترها می‌شوند. قرار بود این دوری موقتی باشد. مادر برای کو به زبان کره‌ای نامه می‌نویسد و تصمیمش برای ترک آمریکا را توضیح می‌دهد. کو در کودکی جملات کره‌ای را کاملاً متوجه نمی‌شد اما در بزرگسالی از نامه‌های مادرش رمزگشایی می‌کند. نامه‌هایی که مفاهیمی چون رهایی، بخشش و قدرت عشق مادرانه را ارائه می‌کند.

«رودخانه بلند روشن» نوشته لیز مور

ماجرای قتل چندزن که میکی فیتزپاتریک افسر پلیس را عصبانی کرده است. میکی نگران خواهرش است که گم شده است و تلاش می‌کند قبل از اینکه خواهرش قربانی بعدی قاتل شود او را پیدا کند.

«موضوعات گفت‌وگو» نوشته میراندا پایکی

راوی ۲۱ ساله اولین داستان پایکی نامی ندارد و به عنوان پرستار برادران دوستش در ایتالیا کار می‌کند. سال ۲۰۰۰ است و دختر که ۲۱ ساله یک شب در گفت‌وگو با مادر دوستش از دلشکستگی‌اش سخن می‌گوید. «موضوعات گفت‌وگو» بخش‌های مختلف زندگی دختر که از جمله ازدواج و مادر شدن را در بستر گفت‌وگوهایش با زن‌های مختلف نشان می‌دهد.

«عصای کج» نوشته زورا نیل هرستون

طرفداران نویسنده فقید نیل هرستون خوشحال باشند که مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاهش منتشر شده هشت داستان از این مجموعه قبلاً در هیچ کتاب و مجله‌ای منتشر نشده است.

«خدایان کوچک» نوشته منگ جین

یک زن جوان آمریکایی-چینی پس از مرگ مادرش، که پزشک بود، دوست دارد دریافتی بیشتر بداند. به امید کشف گذشته مادرش و یافتن پدر به چین سفر می‌کند در آغاز کتاب به نظر روایت میل به ماجراجویی بیشتر است اما در ادامه نشان‌دهنده کنار آمدن زنی جوان با اندوه، مهاجرت و ناپایداری خاطرات است.

«تئاتر شب» نوشته ویگرام پاراالکر

در یک روستایی در هندوستان یک جراح آماده ترک محل کار و رفتن به خانه است که خانواده‌ای به کلینیک مراجعه می‌کنند. این خانواده برای جراح توضیح می‌دهند که به قتل رسیده‌اند اما اگر زخم‌هایشان را تا قبل از طلوع آفتاب مداوا کند می‌توانند دوباره زندگی کنند!

«کثیفی آمریکایی» نوشته جنین کاملینز

در یکی از جذاب‌ترین داستان‌های این فصل لیدیا، شخصیت اصلی کتاب زندگی عادی دارد، مدیر یک کتابفروشی در مکزیک است، با یک خبرنگار ازدواج کرده و فرزند پسری دارد. یک روز مردی وارد کتابفروشی می‌شود و چند کتاب می‌خرد. موضوعی ساده که عواقب فاجعه‌باری به همراه دارد. مرد در واقع مدیر یک گروه تولید و فروش مواد مخدر است و لیدیا تصمیم می‌گیرد کتابی درباره او بنویسد. اما اتفاقات بدی که در نتیجه این تصمیم رخ می‌دهد لیدیا و پسرش را رهسپار ایالات متحده می‌کند.

«زمان خوبی را به آن‌ها نشان بده» نوشته نیکول فلاتری

نیکول فلاتری در اولین داستانش زنان را در دنیاهای مختلفی قرار می‌دهد که از دنیای کنونی‌مان هم عجیب‌تر است. تلاش نویسنده ایرلندی ارائه زنان در نقش‌های مختلف و در کشمکش با هویت زنانگی، و هویت است.

«محله چینی‌های داخلی» نوشته چارلز یو

ویلیس وو شخصیت اصلی داستان دوست دارد ستاره سینما شود و پس از فارغ‌التحصیلی در دانشگاه در چند نقش بازی می‌کند. همه نقش‌ها نشان‌دهنده شخصیت‌های شرق آسیایی هستند و از طریق این روایت موضوعاتی چون نژاد و کلیشه‌های نژادی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

«من را به زمین ببر» نوشته یل یون

این نویسنده پرفروش نیویورک تایمز با آخرین رمانش به پتیمانی که از جنگ به جا می‌ماند می‌پردازد. کتاب در دهه ۱۹۶۰ میلادی رخ می‌دهد و پتیمان در بیمارستانی که تازه از بمب‌گذاری نجات یافته است حضور دارند و منتظر نجات هستند اما وقتی جنگ ویتنام به طول می‌انجامد اوضاع هم پیچیده‌تر می‌شود.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل-منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۴۸۰۲۶۰۰۲۰